

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۴/۲۶

نویسنده: ن . جلیل زاد

## دیورند زخم استعمار حق مسلم افغانستان

دیورند برادر را از برادر ، خانه را از خانه ، کوه را از کوه ، دریا را از دریا ، جدا کرده است.  
دیورند پایان نیافته، فقط به تعویق افتاده  
تاریخ صبور است .  
رودخانه ها مرزها را نمی شناسند .  
کوه ها به خطوط قلم اعتنا ندارند .  
و ملت ها ، اگر اراده داشته باشند ، خاک هایشان را پس می گیرند.  
دیورند زخمی است که استعمار بریتانیا زد، پاکستان آن را عفونی نگه داشت، و بی کفایتی دولت های افغانی اجازه داد که التیام نیابد.  
اما این زخم کشنده نیست ، اگر ملتی بیدار باشد.  
افغانستان بیدار است .  
تاریخ گواه است .  
حق با ماست.



د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ

سند های تاریخی، حقوقی و وطن پرستانه در دفاع از خاک های از دست رفته ای افغانستان دیورند چیست و چگونه به وجود آمد؟

دوازدهم نوامبر ۱۸۹۳ در کابل، در اتاقی که بوی استعمار می داد، سر مورتیمر دیورند، نماینده امپراتوری بریتانیا، کاغذی پیش امیر عبدالرحمان خان گذاشت .

این کاغذ خط فرضی ای بود که از میان کوه و دشت و قبیله می گذشت ، خطی که نه جغرافیا می شناخت، نه تاریخ، نه خون، نه زبان.

این خط، دیورند نام گرفت .

و از همان روز اول، زخمی شد بر پیکر افغانستان که هنوز التیام نیافته است.

امضای اجباری

زیر فشار، نه با رضایت

عبدالرحمان خان ، امیری که خود را «آهن مرد» می نامید در موضع ضعف کامل با کاغذ روبرو شد .

افغانستان تازه از دو جنگ ویرانگر با بریتانیا بیرون آمده بود .

کشور فقیر بود، خسته بود، و از شمال نیز فشار روسیه را به شدت حس می کرد.

تحمل اجباری در حقوق بین الملل اعتبار ندارد. معاهده ای که زیر اکراه و تهدید امضا شود، از نظر حقوقی باطل است ، این اصل در کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در ماده ۵۲ صریحاً آمده است .

دیورند از همان آغاز، بر پایه سستی بنا شده بود.

مدت معاهده

صد سال، نه ابدی

معاهده دیورند برای مدت صد سال بسته شد. این صد سال در سال ۱۹۹۳ به پایان رسید. معاهده ای که مدت دار است و تمدید نشده، از نظر حقوقی منقضی است.

پاکستان هرگز سندی ارائه نداده که نشان دهد این معاهده تمدید شده یا به معاهده ای دائمی تبدیل گشته است .

سکوت پاکستان خود اعتراف ضمنی به این انقضاست.

هیچ حاکمیت افغانی آن را به رسمیت نشناخته است

این واقعیت را با صدای بلند بگوییم:

امیر حبیب الله خان ، آن را به رسمیت نشناخت

امان الله خان در استقلال ۱۹۱۹ صریحاً از قبول آن سرباز زد

محمد نادرشاه ، هرگز تأییدش نکرد

ظاهرشاه ، در تمام چهل سال سلطنت، این خط را مرز رسمی ندانست

داوودخان ، قوی ترین مخالف بود و مسئله پشتونستان را رسماً مطرح کرد

دولت های جهادی ، در موضع انکار بودند

طالبان هرگز سند رسمی به رسمیت شناسی ندادند

هیچ دولت افغانی در طول تاریخ، با اراده آزاد این خط را نپذیرفته است .

این سلسله انکار، خود یک سند حقوقی قوی است.

پشتونستان

خون افغانی در آن سوی خط

سه و نیم کرور ۳۵ میلیون پشتون و در کنارشان بلوچ ها یک شبه با یک خط قلم ، «پاکستانی» شدند .

نه آن ها پرسیده شدند، نه قبیله هایشان، نه ریش سفیدانشان.

خیبر پشتونخوا، قبایل ، بلوچستان ، این ها تاریخاً بخشی از حوزه فرهنگی، قومی و تاریخی افغانستان بودند و هستند .

وقتی پاکستان در ۱۹۴۷ از دل تقسیم هند بیرون آمد، افغانستان تنها کشوری بود در جهان که به عضویت پاکستان در سازمان ملل رأی منفی داد دقیقاً به همین دلیل.

رأی منفی افغانستان در سازمان ملل ، سند رسمی جهانی

در سپتامبر ۱۹۴۷، افغانستان در شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل رأی منفی به عضویت پاکستان داد .

دلیل رسمی: افغانستان ادعاهای ارضی بر مناطقی دارد که پاکستان بر آن ها ادعای حاکمیت می کند.

این رأی، سندی رسمی در آرشیف سازمان ملل است .

این رأی نشان می دهد افغانستان هرگز پاکستان را به عنوان وارث مشروع آن سرزمین ها نپذیرفته است.

داوودخان و مسئله پشتونستان :

مطالبات دیپلماتیک

سردار محمد داوودخان در دوران صدارت خود (۱۹۵۳-۱۹۶۳) مسئله پشتونستان را به مسئله اول سیاست خارجی افغانستان تبدیل کرد. روابط دیپلماتیک با پاکستان قطع شد . مرزها بسته شد .

این موضع، هرچند با هزینه اقتصادی همراه بود، نشانه آن بود که یک رهبر افغان حاضر نیست خاک را به خاطر آرامش موقت بفروشد.

داوود خان پیشگام این راه شد ، موضعش در تاریخ ماند.

پاکستان چه زمانی «وارث» دیورند شد؟

بریتانیا در ۱۹۴۷ هند را ترک کرد .

پاکستان ، دولتی که در آن لحظه وجود نداشت ، چگونه می تواند وارث قانونی معاهده ای باشد که بین افغانستان و بریتانیا بسته شده؟

در حقوق بین الملل، اصل «جانشینی دولت ها» چنین انتقالی را خودکار نمی داند .

افغانستان هرگز با جانشینی پاکستان در معاهده دیورند موافقت نکرده است .

این خلأ حقوقی، پایه ای ترین نقطه ضعف ادعای پاکستان است.

کنوانسیون وین و بطلان معاهدات اجباری

ماده ۵۲ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات (۱۹۶۹) صریح است:

معاهده ای که از طریق تهدید یا استفاده از زور، برخلاف اصول منشور سازمان ملل متحد، منعقد شده باشد، باطل است.

معاهده دیورند در شرایطی امضا شد که امپراتوری بریتانیا با دو جنگ پیروزمند، افغانستان را در موضع ضعف کامل نگه داشته بود .

این دقیقاً همان وضعیتی است که کنوانسیون وین آن را باطل می داند.

خط دیورند قبایل را نصف کرد

برادر را از برادر ، کوه را از کوه ، دریا را از دریا

خط دیورند از میان قبایل گذشت ، نه از میان بیابان خالی .

قبیله آفریدی نصف شد .

قبیله وزیر نصف شد .

قبیله محسود نصف شد .

مہسود، شینواری، مومند، باجوری ، همه با یک خط و قلم بریده شدند.

خانواده هایی که در دو طرف این خط زندگی می کردند، یک شبه «خارجی» یکدیگر شدند. این جنایت فرهنگی و انسانی، هیچ گاه پاسخ نگرفته است.

بازی استخباراتی پاکستان :

ISI و افغانستان

پاکستان هرگز نگذاشته افغانستان باثبات شود چون افغانستان باثبات، افغانستانی است که مسئله دیورند را مطرح می کند.

سازمان استخباراتی ISI پاکستان در پنجاه سال گذشته سیستماتیک در افغانستان بی ثباتی ایجاد کرده است :

از پشتیبانی از گلبدین ، ربانی ، مسعود در دهه هفتاد، تا ایجاد طالبان در دهه نود، تا حمایت از شبکه حقانی .

هدف همیشه یکی بوده: افغانستان ضعیف، افغانستان بی دولت، افغانستانی که توان مطرح کردن دیورند را نداشته باشد.

کسانی که دیورند را به رسمیت می شناسند: خیانت ملی

در تاریخ معاصر افغانستان، کسانی ، افرادی بوده اند که در معاملات پنهان، در ازای پول، پناه، یا قدرت، این خط را به رسمیت شناخته اند یا آمادگی شناختن آن را نشان داده اند.

این عمل، به ساده ترین تعریف، خیانت ملی است.

قانون اساسی افغانستان، عرف بین المللی، و وجدان تاریخی این ملت، چنین کسانی را محکوم می کند .

هیچ صدراعظم، هیچ رئیس جمهور، هیچ مقام دولتی حق ندارد بدون رأی مستقیم ملت، یک وجب از خاک افغانستان را واگذار کند ، نه با امضا، نه با سکوت، نه با زبان دیپلماتیک.

اصل تعیین سرنوشت ملت‌ها :

حق پشتون‌ها و بلوچ‌ها

منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، و میثاق های بین المللی، صریحاً حق تعیین سرنوشت ملت‌ها را به رسمیت می شناسند.

پشتون های آن سوی خط دیورند هرگز در یک فرآیند آزاد نپرسیده شدند که آیا می خواهند بخشی از پاکستان باشند یا نه .

همان‌طور که کشمیر حق رأی دارد ، پشتونستان نیز باید این حق را داشته باشد.

این ادعا نه تجاوزگری است، نه ناسیونالیسم افراطی ، این مطالبه حق اساسی انسانی است که در قوانین بین‌الملل تضمین شده.

وحدت فرهنگی و تاریخی :

آنچه خط نمی تواند ببرد

زبان پشتو، شعر خوشحال‌خان ختک، موسیقی، جرگه، پشتونوالی ، اینها را هیچ خطی نمی تواند ببرد .

رحمان بابا در آن سوی خط مدفون است، اما شعرش در این سو زندگی می کند.

این وحدت فرهنگی، زنده ترین سند تاریخی است که نشان می دهد دیورند یک خط مصنوعی است ، خطی که بر جغرافیای انسانی تحمیل شده، اما هرگز نتوانسته روح ملت را تقسیم کند.

نمونه های تاریخی مشابه :

وقتی خاک برگشت

تاریخ ثابت کرده که مرزهای تحمیلی استعمار ماندگار نیستند:

الجزایر استقلالش را از فرانسه گرفت

ویتنام متحد شد

آلمان دوباره یکی شد

اریتریا از اتیوپی جدا شد

تیمور شرقی آزاد شد

اگر ملت هایی با اراده و سازماندهی توانستند خاک هایشان را پس بگیرند، افغانستان نیز ، با داشتن پشتوانه تاریخی قوی‌تر ، این حق را دارد.

راه قانونی :

دیوان بین المللی دادگستری

افغانستان می تواند دوسیه ای دیورند را به دیوان بین‌المللی دادگستری ببرد .

اسناد کافی وجود دارد:

متن اصلی معاهده با شرط مدت دار بودن

سابقه انکار تمام دولت های افغانی

رأی منفی در سازمان ملل

اصل بطلان معاهدات اجباری

اصل عدم جانشینی خودکار دولت ها

یک تیم حقوقی مجرب می تواند این دوسیه را در سطح بین‌المللی مطرح کند .

نیاز به اسلحه نیست ، نیاز به اراده و کفایت حقوقی است.

بی‌ثباتی افغانستان و منافع پاکستان :

رابطه مستقیم

هر بار که افغانستان به آستانه ثبات رسیده، دستی آن را به هم زده است .

این دست، اغلب از راولپندی آمده است.

دولت باثبات افغانستان = مطرح شدن دیورند = خطر برای تمامیت ارضی پاکستان.

این معادله توضیح می دهد چرا پاکستان پنجاه سال است در افغانستان سرمایه‌گذاری بی ثباتی می‌کند .

دیورند نه فقط یک مسئله تاریخی، بلکه ریشه اصلی بحران امنیتی منطقه است.

نسل جدید و مسئولیت تاریخی

به جوانان افغانستان می گویم:

این مساله را به فراموشی نسپارید .

هر نسلی وظیفه دارد این مشعل را روشن نگه دارد .  
نه با خشونت ، بلکه با دانش، با حقوق، با دیپلماسی، با قلم.  
دیورند باید در مکاتب تدریس شود .  
دیورند باید در پوهنتون ها تحقیق شود .  
دیورند باید در محافل بین المللی مطرح شود. این حق شما است، این امانت پدران شماست.  
پیام به جهان :  
افغانستان قربانی نظم استعماری است  
به جامعه بین الملل می گوئیم :  
شما نمی توانید از یک سو از حقوق بشر و حق تعیین سرنوشت دم بزنید و از سوی دیگر، معاهده ای استعماری را  
که صد سال پیش با اجبار امضا شده، ابزار سرکوب یک ملت کنید.  
اگر جهان به راستی به عدالت پایبند است، باید بپذیرد که مسئله دیورند یک دوسیه باز است ، دوسیه ای که با مکالمه  
صادقانه، حقوقی و تاریخی باید حل شود.  
نتیجه :  
دیورند پایان نیافته، فقط به تعویق افتاده  
تاریخ صبور است .  
رودخانه ها مرزها را نمی شناسند .  
کوه ها به خطوط قلم اعتنا ندارند .  
و ملت ها ، اگر اراده داشته باشند ، خاک هایشان را پس می گیرند.  
دیورند زخمی است که استعمار بریتانیا زد، پاکستان آن را عفونی نگه داشت، و بی کفایتی دولت های افغانی اجازه  
داد که التیام نیابد.  
اما این زخم کشنده نیست ، اگر ملتی بیدار باشد.  
افغانستان بیدار است .  
تاریخ گواه است .  
حق با ماست.  
زمین از آن کسی است که برایش خون داده ، نه از آن کسی که خطی بر کاغذ کشیده.  
پایان  
اما مبارزه ادامه دارد.....

**آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد**

---

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ